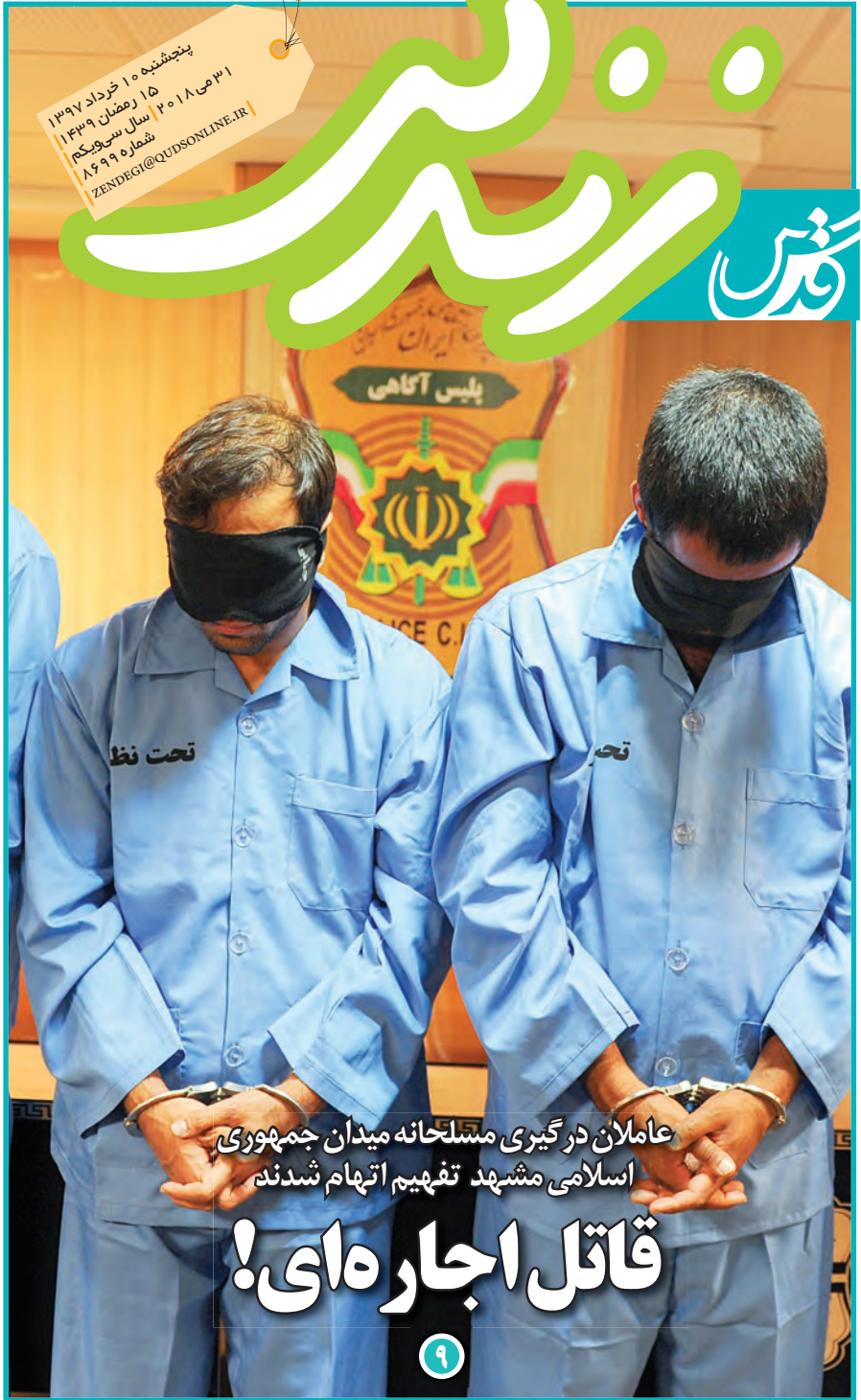




روس ها در ۱۰ خرداد سال ۱۳۳۴ حاضر شدند
بدهی شان را به ایران بپردازند

۱۱/۵ تن طلا کجارت؟

۱۶



عاملان درگیری مسلحانه میدان جمهوری
اسلامی مشهد تفهیم اتهام شدند

قاتل اجاره ای!

۹

تلفاتی از فیلم «استرداد»

عکس: حسین کام قنار - قدس

خط بین الملل

کشف جسد ۲۰۰۰ ساله در نزدیکی آتشفشان

ایتالیا/ جسد بچه ای که ۲۰۰۰ سال پیش هنگام فرار از فوران آتشفشان کوه وزوو در ناپل ایتالیا جان خود را از دست داد، کشف شد.

گفته می شود ۲۰۰۰ سال قبل با فوران آتشفشان وزوو بیش از ۳۰ هزار ساله شهر باستانی بمبئی جان خود را از دست دادند که باستان شناسان تاکنون توانسته اند جسد بیش از ۱۱۵۰ نفر را کشف کنند. از این تعداد ۳۹۴ نفر هنگام فرار به پایین سقوط کردند و جان خود را از دست دادند.

اما باستان شناسان درباره جسد کشف شده در ماه فوریه امسال اعتقاد دارند که هنگام فرار سرش را به سوی آتشفشان وزوو چرخانده تا آن را ببیند، و همان لحظه از ارتفاع سقوط می کند و سنگ ۳۰۰ کیلویی روی او می افتد.

جسد این بچه در بقایای حمام عمومی در بمبئی یافت شد که ۳۰۰ کیلویی روی زن، قطار حدود چند متر به راه خود موجب مرگ او شده است.

بچه ای که جسدش کشف شد در زمان مرگ هفت یا هشت ساله بوده است که به گفته ماسیمو اوسانا، مدیر شهر باستانی بمبئی، سسی کرده است برای آزار از گاهای کشف شده به گوشه ای پناه ببرد.(خبر آنلاین)

درگیری عجیب پلیس با پسر ۱۳ ساله

استرالیا/ ویدیویی در فضای مجازی منتشر شده است که درگیری و خشونت های پلیس اوکلند با پسر ۱۳ ساله را نشان می دهد. این پسر به دلیل درگیری که با تعدادی از بچه های یکی از پارک های اوکلند داشت، دستگیر شد و یکی از مأموران با مشت به دنده این پسر ضربه ای وارد کرد.

یکی از مأموران پلیس اما در دفاع از خود گفته است که این ضربه یک تانکینگ است تا افرادی که در مقابل دستبند زدن مقاومت می کنند، خود را تسلیم کنند. (باشگاه خبرنگاران)

عجله جان زن سالخورده رادر ایستگاه قطار گرفت

تایوان/ زن سالخورده ای که قصد داشت به داخل یک قطار برود در حال حرکت ببرد به داخل شکاف میان سکو و قطار افتاد و جان باخت.

ویدیوهای منتشر شده حاکی از آن است که زن ۷۸ ساله تلاش می کند تا با عجله به داخل یک قطار در حال حرکت ببرد که وی بر اثر آن دست دادن ناگهان به داخل شکاف بین سکو ایستگاه و قطار سقوط می کند. این در حالی بود که پس از سقوط این زن، قطار حدود چند متر به راه خود ادامه داد و سپس متوقف شد. مسافران و شاهدان عینی با مشاهده این صحنه بلافاصله وارد عمل شدند و تلاش کردند با بلند کردن واگن ۴۵ تنی جان زن سالخورده را نجات دهند که متأسفانه تلاش این مسافران به همراه گروه امداد و نجات در شهر تایپوینگ، تایوان نافرجام ماند و این زن جانش را در محل حادثه از دست داد.(باشگاه خبرنگاران)

خط خبر

عاملان درگیری مسلحانه میدان جمهوری اسلامی مشهد تفهیم اتهام شدند

قاتل اجاره ای!

خط قرمز- عقیل رحمانی: سرانجام پس از ۱۷ روز تلاش شبانه روزی پنج عامل درگیری مسلحانه میدان جمهوری اسلامی مشهد دستگیر شدند و روز گذشته فرمانده انتظامی خراسان رضوی با حضور در پلیس آگاهی استان در جمع خبرنگاران عملیات رد زنی و شناسایی جانیکاران را تشریح کرد. در ادامه قاضی ویژه قتل مشهد با حضور در مقر پلیس اتهام عاملان تیراندازی را به آن ها تفهیم کرد.

آغاز رد زنی ها

فرمانده انتظامی خراسان رضوی درباره اقدامات پلیسی صورت گرفته برای شناسایی باند مخوف گانگستری گفت: در تاریخ ۲۲ اردیبهشت سال جاری بود که تلفن مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مشهد به صدا در آمد و شهروندان گزارش درگیری مسلحانه در میدان جمهوری اسلامی را اعلام کردند.

سردار قادر کریمی تصریح کرد: بر همین اساس همکاران ما به سرعت در محل حادثه حضور پیدا کردند و با یک خودروی پژو که در آن دونفر به قتل رسیده بودند مواجه شدند.

پس از آن کارآگاهان پلیس آگاهی اقدامات فنی خود را برای کشف ادله های جرم آغاز کردند. همزمان مباحثات های قضایی مورد نیاز نیز صورت گرفت.

وی ضمن بیان اینکه مأموران در محل از شاهدان حادثه نیز برای رسیدن به سرخ کمک گرفتند، بیان داشت: مأموران در تحقیقات خود پی بردند یک دستگاه پراید در ساعت ۱۴:۱۵ دقیقه روز جنایت سند راه خودروی پژو می شود و عاملان درگیری مسلحانه بدون مکث از خودرو پیاده و با استفاده از اسلحه کلاش به سمت سرنشینان خودروی پژو تیر اندازی و دو سرنشین خودروی مذکور را به قتل می رسانند.

رد پای گانگسترها در تهران

این مقام انتظامی افزود: در تحقیقات فنی و اولیه معلوم شد که پس از تیر اندازی مرگبار در محل، عاملان که دونفر بودند سوار بر خودروی پراید از محل متواری شدند.

بر همین اساس بلافاصله خودروی پژو و مقتولان به پلیس آگاهی استان منتقل شد تا تحقیقات بیشتر روی موضوع صورت پذیرد.

خودروی پژو به قتل مورد تفتیش قرار گرفت و هویت مقتولان مشخص و معلوم شد افراد مذکور دارای سوابق متعدد کیفری مانند نزاع، شرارت، حمل سلاح و... بودند.

با به دست آمدن سرنخ های مذکور اقدامات اطلاعاتی مورد نیاز برای شناسایی قاتلان و افرادی که پشت پرده ماجرا بودند را ارتکاب قتل را مدیریت می کردند، آغاز شد.

فرمانده انتظامی استان با اشاره به اینکه شهروندان

با دیگر افراد دخیل در ماجرا دیدار کنند، عملیات پلیسی را در تهران آغاز نکردند و سایه به سایه متهمان را زیر نظر گرفتند تا دیگر عوامل اقدام مذکور نیز شناسایی و دستگیر شوند.

دستگیری ۴۸ ساعته اعضای باند مخوف

سردار کریمی با بیان اینکه باند شرارت مسلحانه ۴۸ ساعت متلاشی شد، در این زمینه بیان می کند: نهایتاً دو عامل اصلی و طراح درگیری مسلحانه پس از برگشتن از تهران در یکی از شهرستان های همجوار مشهد دستگیر شدند.

اعضای باند مذکور به گونه ای غافلگیر شدند که هر گونه واکنش از آن ها گرفته شد که اگر این گونه نمی شد آن ها بدون شک درگیری مسلحانه ای را آغاز می کردند.

در ادامه متهمان به مشهد منتقل و تحت بازجویی قرار گرفتند. آن ها در مقابل شواهد غیر قابل انکار همه چیز را لو داده و دو سرنشین پراید را که پس از تیر اندازی از محل گریخته بودند و فرد دیگری را هم که در این اقدام دخیل بود، لو دادند.

بر همین اساس مأموران پس از گذشت ۲۴ ساعت از دستگیری دو متهم، سه عامل دیگر این جنایت را شناسایی و یکی پس از دیگری آن ها را هم دستگیر کردند.

وی به گوشه ای از اعترافات عامل تیر اندازی اشاره کرد و در ادامه عنوان کرد: متهم اصلی پرونده در بازجویی ها به جرم خود اعتراف و صحنه جرم را هم بازسازی کرد.

سردار قادر کریمی تصریح کرد: در ادامه سلاح کلاش مورد استفاده در درگیری مسلحانه، همچنین دو سلاح وینچستر و تعدادی سلاح سرد از محل اختفای متهمان کشف شد و خودروهای آن ها کشف و توقیف شد.

کشف جنایتی دیگر!

فرماندهی انتظامی استان به لو رفتن جنایتی دیگر هم اشاره کرد و در این راستا تصریح کرد: در اعتراف جدیدی که عامل اصلی تیر اندازی انجام داده است، مشخص شد، وی در سال ۸۴ در یکی از شهرستان های استان سرقت مسلحانه طلا فروشی را انجام داده است و بعد از مدتی دستگیر و راهی زندان و در زندان با برخی از اعضای باند آشنا شده است. وی بعد از آزادی در سال ۹۲ مرتکب قتل در تیرت جام می شود! متهم با سلاح کلاشی که در میدان جمهوری اسلامی مرتکب قتل شد در تیرت جام فرد مذکور را به قتل رسانده است!

تفهیم اتهام به گانگسترها

در ادامه باز پرس احمدی نژادقاضی ویژه قتل عمد در محل پلیس آگاهی حضور پیدا کرد و اتهام قتل عمد را به عامل اصلی و معاونت در قتل را به دیگر اعضای باند تفهیم کرد. این گزارش حاکی است که طبق مستندات موجود در پرونده این احتمال وجود دارد که مقام قضایی اتهام مجاریه را برای برخی از اعضای باند در نظر بگیرد.

فوت: کاوشگاه قدس

جاهل جاهل کش!

عامل اصلی باند که با تیر اندازی مرگبارش دو نفر را به قتل رسانده است، حین تفهیم اتهاماتش به قاضی ویژه قتل مشهد گفت: من از جاهل ها بدم می آید و آن ها را می کشم چون از آنها بی که ادعا دارند خوشم نمی آید! کینه من از آن ها از زمانی شروع شد که به جرم سرقت مسلحانه به زندان افتادم و آن ها به من زور می گفتند. وی ادامه داد: من قصد نداشتم فردی را که همراه راننده بود بکشم اما تیر رد شد و به او خوردم!

دستگیر نمی شدم باز هم آدم می کشتم!

متهم به قتل ادامه داد: اگر ۲۰ روز دیرتر پلیس من را می گرفت چند نفر دیگر را هم می کشتم! امروز سه نفر را کشته ام. دیگر اعضای باند تصور می کردند من می خواهم آنها را فقط بزنم اما فکر نمی کردند که من آن ها را بکشم!

قتل به واسطه گر یه!

شروع خطرناک در ادامه اظهاراتش گفت: یکی از اعضای باند قبل از این اتفاقات، پیش من آمد و گریه کرد. گفت افرادی برادرش را کشته اند و من هم برای انتقام این کار را کردم. اگر افرادی که کشته شدند زودتر با من آشنا شده بودند و از من می خواستند اعضای باند را بکشیم، آن ها را می کشتم.

خط خبر

هواپیمای آموزشی ارتش سقوط کرد

تسنیم: عصر روز سه شنبه یک فروند هواپیمای فوق سبک آموزشی ارتش بر اثر مشکل فنی در حوالی فرودگاه امام خمینی (ره) سقوط کرد.

هواپیمای مذکور آموزشی فوق سبک و در حال انجام مانوریت بود. هواپیمای از اصفهان به سمت فرودگاه امام (ره) تهران در حال پرواز بود که در حوالی فرودگاه مقصد دچار نقص فنی شد. در ادامه با تلاش خلبان هواپیمای منطقه غیرمسکونی هدایت و متأسفانه سقوط کرد.

در این حادثه سه رهنمگ دوم خلبان «نادر کرده» و سرگرد فنی «مهدی ملک آرای» به شهادت رسیدند. یک تیم ارزیاب در حال بررسی دقیق جزئیات حادثه است.

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان: یک تیم تروریستی در سراوان منهدم شد

فارس: فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از گرفتاری یک تیم تروریستی در کمین تکاوران پلیس خبر داد و گفت: در این درگیری مسلحانه، عامل انتحاری گروهک تروریستی به هلاکت رسید.

سردار گفت: به این واسطه مقادیر قابل توجهی سلاح سبک و نیمه سنگین و یک جلیقه انتحاری و چند تله انفجاری از آنان کشف شد.

وی ادامه داد: تیم های تکاور پلیس در نزدیکی منطقه عمومی مرز سراوان با عوامل گروهک تروریستی ضدانقلاب درگیر شدند.

وی تصریح کرد: در این عملیات خوشبختانه هیچ گونه آسیبی به مأموران پلیس نرسید.

«نورو و ویروس» عامل مسمومیت کلاردشتی ها

ایرنا: طبق بررسی های انجام شده توسط دانشگاه علوم پزشکی مازندران «نورو و ویروس» عامل مسمومیت شهروندان کلاردشتی بود.

مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران گفت: با بررسی های کارشناسی صورت گرفته در چند روز گذشته، علت مسمومیت اهالی کلاردشت «نورو و ویروس» (نورو و ویروس ها گروهی از ویروس ها هستند که سبب التهاب معده و دیواره روده ای بزرگ می شوند) بوده است.

فرزاد گوهردهی افزود: این نتیجه پس از بررسی آزمایشگاهی نمونه گیری های انجام شده از بیماران، آب شرب و مواد غذایی در منطقه به دست آمد. وی گفت: علت شروع آلودگی به این ویروس مشخص نیست، ولی باید افراد بیمار و نزدیکان آن ها نکات بهداشتی را با دقت رعایت کنند تا از آلوده شدن افراد دیگر جلوگیری شود.

گوهردهی افزود: درصد آلودگی نورو و ویروس ها بسیار بالاست و این ویروس ها از طریق تماس شخص مبتلا به غذا، آب و یا سطوح دیگر گسترش می یابند و می توانند تا چند روز در خارج از بدن زنده بمانند.

وی تصریح کرد: از آغاز شیوع این بیماری تاکنون ۵۰۰ نفر به مراکز درمانی شهرستان کلاردشت مراجعه کردند که تمامی آن ها به صورت سرپایی درمان و مرخص شدند و تنها پنج نفر بستری و پس از انجام اقدامات درمانی لازم ترخیص شدند.

از شامگاه یکشنبه برخی از اهالی کلاردشت با داشتن علائم مسمومیت همچون اسهال، استفراغ و دل درد به مراکز درمانی این شهرستان مراجعه کردند که با دریافت خدمات دارویی ترخیص شدند. این افراد از اهالی مناطق حسن کیف، مکا، ولوال، گرگیس، رودبارک، طویدره و مجر بودند.

روایت مرتضی عبدی از راهاندازی مؤسسه معلولان

بعضی معلولان تا حرم هم نمی‌توانند بروند

ماجرای راهاندازی مؤسسه پاور سبز چه بود؟



سال ۹۲ بود. دوست داشتم برای معلولان کار جدی‌تری انجام بدهم، بخصوص برای فیزیوتراپی آن‌ها. چون اولاً معلولان برای فیزیوتراپی هر جایی نمی‌توانند بروند و ضمناً هم هزینه فیزیوتراپی هست و هم هزینه‌های رفت‌وآمد.

♦ **پول تأسیس مؤسسه را از کجا آوردید؟**

سال ۱۳۹۲ برای شرکت در برنامه‌ای به کاشان دعوت شدم. ۲۵مؤسسه مردمی که برای معلولان کار می‌کنند، دعوت شده بودند. آن جا همه پیشکسوت‌ها صحبت کردند تا نوبت به من رسید. یادم هست بدون استفاده از ویلچرم با دست‌ها رفته بالای سکو و حرف زدم. در صحبت‌هایم به این مورد اشاره کردم که دوست دارم مرکزی برای فیزیوتراپی معلولان ایجاد کنم. از روی سن که پایین آمدم ۱۴ میلیون تومان چک از طرف خیرین دریافت کردم. از آن سفر که برگشتم به تهران سفر کردم و به مرکز ردع رفتم. آن جا درختی داشتند به عنوان درخت آرزوها که معلولان آرزوهایشان را می‌نوشتند و به دست خیرین می‌رسید.

از من هم خواستند آرزویم را بنویسم. آرزویم در راستای ایجاد مؤسسه برای آموزش معلولان بود. یکی از اعیاد بود که از تهران تماس گرفتند و گفتند آرزوی شما برآورده شده است و ۱۰ میلیون تومان پول پیش برای اجاره مکان مؤسسه را به من دادند و فردا اولین بنگاه که رفتم این مکان را به من نشان دادند که البته مخروبه‌ای بود. بعضی‌ها می‌گفتند این جا خیلی خراب است و نمی‌شود آن را درست کرد، اما بعضی‌ها کمک کردند و دستت به کار شدیم. در یک ماه با کمک مالی که از خیرین کاشان دریافت کرده بودم و همچنین کمک مؤسسه ردع تهران، بنای مؤسسه جور شد؛ مؤسسه‌ای که اکنون ۷۲۸ معلول تحت پوشش آن هستند. همه خدماتی که هم انجام می‌دهیم، رایگان است. من حتی آسایشگاهی برای معلولان در همین منطقه راه اندازی کردم که متأسفانه به خاطر کم لطفی برخی ارگان‌ها از ادامه کار باز ماندم. وقتی آن‌جا بستم شد خیلی ناراحت شدم. چون با کلی امید برای راه‌اندازی آن شبانه‌روزی زحمت کشیدم و شده بود خانه تعدادی از معلولان. من حتی کنار آن آسایشگاه یک تعمیرگاه ویلچر هم راه‌اندازی کرده بودم که آن هم رایگان خدمات می‌داد.

♦ **برای آینده چه برنامه‌ای دارید؟**

نمی‌دانم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، اما همه تلاش من این است که در منطقه گلشهر فضایی بزرگتر از چیزی که در حال حاضر داریم برای کمک به معلولان ایجاد کنم. هر چند می‌دانم مشکلات اقتصادی دامن خیرین را هم گرفته است. نگهداری همین مکان در هر ماه هزینه زیادی دارد که به طور مرتب باید تأمین شود، آن هم در حالی که از هیچ ارگانی کمک دریافت نمی‌کنیم. همین سال قبل ما ۱۳۸۰ نفر را به برنامه‌های بیرون از شهر و حتی بیرون از استان مانند سفر به شمال، قم، تهران و… بردیم. فکرش را بکنید ما معلولانی را به شمال بردیم که در عمرشان دریا را ندیده بودند و حتی چندین سال بود از خانه بیرون نیامده بودند. حتی ما معلولینی را داریم که چند سال است نتوانسته‌اند به حرم امام رضا(ع) بروند و یا یک شب در حرم افطاری کنند.

♦ **این مسئله بیشتر به توانایی معلولان برمی‌گردد یا مشکلات مالی‌شان؟**

ببینید شما حتماً چند جفت کفش در خانه دارید که از هر کدام برای موقعیتی استفاده می‌کنید. ما هم به عنوان معلول نیاز داریم که چند ویلچر داشته باشیم، مثلاً ویلچری برای ورزش، ویلچری برای بیرون رفتن و… اما متأسفانه خیلی از افراد معلول به دلیل بالا بودن هزینه‌ها فقط یک ویلچر دارند که آن را هم هر چند سال عوض می‌کنند، یعنی زمانی که دیگر نشود از آن استفاده کرد و کارایی خودش را از دست بدهد. اگر کفش شما تنگ باشد حتماً پای شما را اذیت می‌کند. ویلچر برای ما همین حکم را دارد، یعنی اگر مناسب وضعیت بدنی ما نباشد، شاید موجب تشدید معلولیت ما بشود. متأسفانه خیلی‌ها به این موارد توجه نمی‌کنند. مثلاً ویلچری هست که ۱۸ کیلو وزن دارد. حالا من با این وضعیت جسمی خودم را بکشم یا ویلچرم را؟! اگر هم به معلولان ویلچری داده می‌شود همه را به یک چشم می‌بینند.

یعنی ویلچری که به یک کودک هفت ساله می‌دهند همان ویلچری است که به یک پیرمرد ۷۰ ساله می‌دهند و این یک ایراد است. سال قبل کمپینی راه انداختم با نام «ویلچر». با کمک‌هایی که برای این کمپین جمع شد خوشبختانه از ۶ ماه ۱۶ ویلچر هدیه دادیم تا بچه‌هایی که درس می‌خوانند شروع سال را با ویلچرهای نو به مدرسه ببرند. فکر کردیم همه کیف و کفش بچه‌ها را نو می‌کنند و ما باید ویلچرهای آن‌ها را نو کنیم.

در ۱۳ آبان دویساره ۱۳ ویلچر به ۱۳ دانش‌آموز معلول دادیم. در آذرماه از دوستان و خانواده‌ها خواستیم نفری ۱۰ هزار تومان برای خرید ویلچر کمک کنند و خوشبختانه توانستیم با ۱۰هزار تومان‌ها، ۴۸ ویلچر هدیه بدهیم. یادم هست بنده خدایی بود که یک رنو داشت و می‌خواست ماشینش را عوض کند، اما پولش را داد برای خرید ویلچر برای معلولان. بعضی وقت‌ها مؤسسه در هزینه‌های خودش می‌ماند، اما ما سالی بوده که ۸۰۰ میلیون تومان به خانواده‌های معلولان کمک کرده‌ایم.

|مردم – عباسعلی سپاهی یونسی|من عاشق

آدم هایی هستم که غیر از این که به خودشان کمک می‌کنند، کمک کردن بـه دیگران را هم فراموش نمی‌کنند و به شکل‌های مختلف سعی می‌کنند قدمی برای دیگران هم بردارند. مرتضی عبدی که معلولی است از مهاجرین افغانستانی و

البته متولد و بزرگ شده ایران، یکی از این افراد است. باور کنید خیلی از افراد این جامعه‌از معلولی که دو پایش برای او کاری نمی‌کنند، توقعی ندارند، چون می‌گویند معلول است ولی، مرتضی با همان وضعیتي که دارد کارهای بزرگی انجام داده است که موجب می‌شود یک الگو باشد برای ما و برای افرادی که معلولیتی دارند. برای گفت‌وگو با او به بلوار شهید آوینی گلشهر مشهد رفتم و به مؤسسه می‌نوشتند و به دست خیرین می‌رسید.

معلولان باور سبز که مرتضی آن را با کمک افراد مهربان و خیر راه‌اندازی کرده است، اتاقش پر از عکس فعالیت‌های مؤسسه است، در گوشه‌ای هم لوح‌ها و مدال‌های ورزشی او خوندنمایی می‌کنند. دو سه ساعتی با هم حرف زدیم و بعد برای سر زدن به یکی دو خانواده معلول با موتور سه چرخ او از مؤسسه خارج شدیم و باز هم گپ‌هایی زدیم که می‌خوانید.

♦ **با کودکی شما شروع کنیم؟**

بله. اسفند ماه ۱۳۴۳ در یک خانواده هشت نفره به دنیا آمدم. دو خواهر و چهار برادر هستیم. پدرم به علت جنگ‌های داخلی افغانستان و جنگ با شوروی سال ۱۳۴۵ به ایران مهاجرت کرد و من هم متولد ایران هستم در همین محله گلشهر.

♦ **چطور معلول شدی؟**

در یک سالگی بر اثر سرماخوردگی دچار فلج

اطفال شدم و از ناحیه دو پا فلج شدم.

♦ **ازدواج کرده‌ای؟**

نه، هنوز ازدواج نکرده‌ام. البته شاید بشود گفت من با همین مؤسسه پاور سبز و این مکان که برای

کمک به معلولان راه‌اندازی کردیم، ازدواج کرده‌ام.

♦ **چه قدر درس خوانده‌ای؟**

من فقط توانستم تا کلاس پنجم درس بخوانم. آن پنج کلاس را هم با سختی و به صورت شبانه درس خواندم. در جامعه ما و بخصوص تا دو دهه قبل، محیط برای حضور معلولان در جامعه مناسب‌سازی نشده بود و البته اکنون هم ایرادات اساسی وجود دارد.

مثلاً فکر کنید که در آن روزگار و برای خانواده‌هایی مثل خانواده من تعریف نشده بود که فرد معلول نیاز به ویلچر و به کمک‌های توانبخشی دارد تا بتواند وارد اجتماع شود. متأسفانه رسانه‌ها هم در این حوزه کم کار کرده‌اند و به خانواده‌هایی که اطلاع کافی نداشتند آگاهی‌رسانی کافی انجام نشد. شاید برای شما جالب باشد که بدانید من تا سن ۲۰ سالگی ویلچر نداشتیم.

♦ **چرا؟ مشکل مالی داشتید؟**

هم مشکلات مالی بود و هم اینکه تعریف نشده بود که من به عنوان یک معلول باید ویلچر داشته باشم. مشکلات مالی شاید در هر خانواده‌ای باشد، اما اگر برای آن خانواده تعریف شده باشد که معلول باید ویلچر داشته باشد به هر شکلی آن را تهیه می‌کنند. پس موضوع چیز دیگری هم بوده است.

♦ **چه می‌کردی در آن روزها؟**

۹ ساله بودم که سراغ کار قالیبافی رفتم و ۱۷ سال قالی بافتم. من از بچگی آرام ننشستم.

یادم هست زمانی در خانه یک دار قالی بزرگ و ۶ نفر شاگرد داشتم. زمانی هم کار نگهبانی و کار ساختمانی انجام می‌دادم.

♦ **کار ساختمانی انجام می‌دادی؟**

بخشی از کارهایی را که می‌شد با دست انجام بدهم، بر عهده می‌گرفتم.البته همیشه برای سپردن کار به معلولان مقاومتی وجود دارد. مثلاً یادم هست زمانی پیش فردی رفتم که به عنوان شاگرد قالیباف کار کنم، ولی ابتدا نپذیرفت و حرفش این بود که من با این وضع نمی‌توانم کار کنم. البته بعد که شروع به کار کردم، شدم یکی از شاگردهای خوش.

♦ **گفتی اولین ویلچرت را در ۲۰ سالگی خریدی؟**

نه، نخریدم. آن زمان از سازمان هلال احمر یک ویلچر به من دادند. خیلی خوشحال شده بودم. خیلی هم مواظب ویلچرم بودم. مرتب دستمال می‌کشیدم.ش در سال هم دویار آن را رنگ می‌زدم. یادم هست وقتی ویلچر به دستم رسید، آن قدر شوق داشتم که مسیر خانه در گلشهر را تا حرم امام رضا(ع) رفتم. آن هم در حالی که مسیر حرم را بلد نبودم و پسران پسران خودم را به حرم رساندم. خیلی حس خوبی داشتم. صاحب ویلچر که شدم زندگی‌ام تغییر کرد. بخصوص وقتی در تلویزیون برنامه‌ای درباره معلولان دیدم. ۲۰ سالی



گفت‌وگو با مرتضی عبدی، معلولی که رکورد بالا رفتن از پله‌های برج میلاد را شکسته است

تا ۲۰ سالگی ویلچر نداشتم!

نـه. با خودم فکر کردم شاید نتوانم این ورزش را دنبال کنم، اما می‌توانم دنبال ورزش دیگری بروم. همان سال بود که با مرکز توان‌یابان آشنا شدم. بعد از آن سراغ ورزش تنیس روی میز رفتم. همزمان با گروه کوهنوردی معلولان افق و همچنین با یک گروه مذهبی که معلولان در آن فعالیت مذهبی می‌کردند، آشنا شدم. بعد از آشنایی با این هیئت هم بود که در یکی از اعیاد برای سفر به مکه انتخاب شدم.

با خودم فکر می‌کردم من کجا و خانه خدا کجا؟ خیلی خوشحال شده بودم. یادم هست همان زمان با خودم فکر کردم که من که معلول هستم چگونه می‌توانم به غار حرا بروم. یعنی فکر کردم آنجا هم برای معلولان مناسب سازی نشده است؟(می‌خندد)

♦ **یعنی آنجا هم ذهنت درگیر مناسب سازی نشدن مکان‌ها برای معلولان بود؟**

بله دقیقاً راستش را بگویم بعضی وقت‌ها با خودم فکر می‌کنم امیدوارم مسیر پل صراط برای معلولان مناسب سازی شده باشد که دیگر آنجا مشکلی نداشته باشیم. یا به این فکر می‌کنم که

در سفر آخرت ویلچر من آلمانی است یا ایرانی یا چینی؟(می‌خندد)

♦ **الان چه نوع ویلچری استفاده می‌کنی؟**

ویلچر معمولی ایرانی. ویلچر من از ویلچرهایی است که جانبازان استفاده می‌کنند و ما به عنوان ویلچر دست دوم از آن‌ها می‌گیریم.

♦ **قیمت نوی همین ویلچر چند است؟**
چهار میلیون تومان.

در کمتر از یک ساعت این کار را کردم

از برج میلاد بدون تمرین بالا رفتم

♦ **جایی از حرف‌هایت از برنده شدن سفر مکه گفتی. آن سفر را هم رفتی؟**

نه رفتم. چون آن خبری که قرار بود هزینه سفر را بدهد، به قولش عمل نکرد. این اتفاق هر چند رخ نداد، اما برای من انگیزه‌ای شد که دنبال کوهنوردی بروم. چون همان‌طور که گفتم فکر می‌کردم باید آمادگی داشته باشم که چهار دست و پای به غار حرا هم بروم.

♦ **ماجرای بالا رفتن از ۱۸۸۶ پله برج میلاد چه بود؟ چه شد که تصمیم گرفتی رکورد بالا رفتن از پله‌های برج میلاد را بشکنی؟**

سال ۹۱ به این فکر افتادم. موسسه معلولان ردع در تهران با من همکاری خوبی داشتند و مجوز بالا رفتن را گرفتند و من هم توانستم در کمتر از یک ساعت از پله‌های این برج بالا بروم. آن اتفاق یک رکورد بود. مهدوی کی‌ا آمده بود و برایم قرآن گرفت. حال خوبی داشتم که در خبرها انعکاس داده شد که من یک معلول مهاجر افغانستانی هستم. آن اتفاق هم یک تغییر دیگر در زندگی من بود و اینکه مردم بیشتر متوجه معلولان بشوند و معلولان را هم ببینند که هر کدام از ما در یک حوزه و یک رشته می‌توانیم کارهای بزرگی را انجام بدهیم.

♦ **برای اینکه پله‌های برج میلاد را بالا بروی، چه قدر تمرین کردی؟**

ماجر ا اینجا شروع شد که من برای صعود اطلاعاتی کسب کردم و برای مجوز به اداره اتباع و کنسولگری افغانستان، هلال احمر، بهزیستی و… رفتم، اما هیچ کس مسئولیت این کار را قبول نمی‌کرد، آن هم به دلیل مهاجر بودن من. بعد از چهار ماه دوندگی ناامید شدم و از طرفی به روز جهانی معلولان هم که دلم می‌خواست در آن ایام این کار انجام شود، نزدیک‌تر می‌شدیم. تمرین هم نداشتم. یادم هست اول آذر بود که خانم نجفی، معاون مجتمع آموزشی نیکوکاری ردع زنگ زد و گفت مرکز آن‌ها می‌توانند مجوز صعود را برای من بگیرند. من هم قبول کردم. خلاصه سه روز زودتر به تهران رفتم و به مرکز معلولان ردع در شهرک غرب رفتم که محل اسکان من شد. «ماهانای جامی» هم قرار بود به نمایندگی از خانم‌های معلول پله‌ها را بالا برود. خلاصه دو روز قبل رفتم تا برج میلاد. چشمم به برج که افتاد با خودم گفتم وای چه ارتفاعی! تمرین هم نکرده بودم. من حتی تا آن روز از ۲۰ پله بیشتر بالا نرفته بودم.همان‌جا برای تمرین یک استارت زدم و ۱۰۰ پله را بالا رفتم ولی گفتم برگرد.

خلاصه ۱۲ آذر نزدیک ظهر بود که به برج رفتم. اول خانم جامی رفت، ولی وقتی نوبت من شد، گفتمد چون افغانستانی هستم اجازه انجام برنامه را ندارم. یک ساعتی منتظر ماندم تا دوباره مشکل رفع شد و من شروع کردم به بالا رفتن. در کمتر از یک ساعت به بالا رسیدم و دیدم که خبرنگارها و خیلی‌ها آمده‌اند تا برنامه را ببینند. لوح تقدیر و ربع سکه و یک گوشی موبایل هم به من هدیه دادند.

به روایت تصویر



آیت‌الله حبیب‌الله احمدی در گفت و گو با قدس آنلاین:

سیره امام حسن علیه‌السلام رفع فقر بود

آیت‌الله نازلی مروت کمک به فقرا و توجه به کرامت انسانی یکی از رفتارهای فردی است که آثار اجتماعی آن در زندگی مستمندان و سایر افراد قابل بررسی و توجه است. امام حسن مجتبی(ع) به دلیل کمک‌های فراوان به نیازمندان و ایجاد اشتغال برای افراد کم‌برخوردار جامعه به کریم اهل بیت شهرت یافت. این خصلت فردی (امام‌ع) در دوره ما نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا علاوه بر کمک‌های مقطعی به نیازمندان و رفع مشکلات روزمره آنان فضایی برای رفع قطعی فقر در جامعه فراهم شود. آیت الله حبیب الله احمدی نویسنده کتاب‌های تاریخ اهل بیت(ع) و از استادان خارج قفه و اصول حوزه علمیه قم همزمان با آغاز هفته اطعام نیازمندان و اکرام ایام ضمن تحلیل تاریخ حیات اجتماعی امام حسن(ع) توصیه‌هایی برای دولتمردان دارد تا شاهد رفع فقر در جامعه باشیم.

♦ **در تاریخ روایت شده‌ه است که امام حسن(ع) سه بار نیمی از اموال خود را به فقرا بخشیدند. این رفتار بیانگر چه ویژگی فردی و اجتماعی امام است؟**

رفتار اجتماعی امام حسن مجتبی(ع) چه در دوره حیات امام علی(ع) و چه زمانی که ردای امامت بر دوش داشتند برای همه انسان‌ها و کسانی که مسئولیت سرپرستی جامعه را بر دوش دارند، بسیار درس آموز است. توجه ویژه امام حسن(ع) به فقرا و نیازمندان جامعه تنها به سفره افطاری و اطعام خلاصه نمی‌شود. امام مجتبی(ع) علاوه بر زندگی شخصی در سفر زیارتی حج نیز سیره ساده زیستی خود را اجرایی می‌کردند تا مردم شهرهای مجاور در مراجعه به امام راحت باشند. سفره اطعام ایشان برای همه مردم پهن بود و از برکت آن بهره‌مندی می‌شدند. امام هیچ فقیر و مستمندی را رد نمی‌کردند و بهترین غذا و هدایا را به فقرا اهدا می‌کردند تا کرامت افراد بی بضاعت حفظ شود. امام در سه نوبت نیمی از اموال خود را انفاق کردند زیرا احسان و کرم سیره و روش ائمه است. امام به قدری به نیازمندان انفاق می‌کردند تا رضایت آن‌ها تأمین شود. بنابراین امام علاوه بر حفظ کرامت انسانی، توجه به رفع کامل نیازهای مستمندان را نیز مد نظر قرار می‌دادند و همچنین با رعایت اصل ضرورت ساده زیستی امام و حاکم اهمیت به رفع فقر در جامعه را گوشزد می‌کردند. این‌ها جلوه‌هایی

به کرامت انسانی یکی از رفتارهای فردی

است که آثار اجتماعی آن در زندگی مستمندان و سایر افراد قابل بررسی و توجه است. امام حسن مجتبی(ع) به دلیل کمک‌های فراوان به نیازمندان و ایجاد اشتغال برای افراد کم‌برخوردار جامعه به کریم اهل بیت شهرت یافت. این خصلت فردی (امام‌ع) در دوره ما نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا علاوه بر کمک‌های مقطعی به نیازمندان و رفع مشکلات روزمره آنان فضایی برای رفع قطعی فقر در جامعه فراهم شود. آیت الله حبیب الله احمدی نویسنده کتاب‌های تاریخ اهل بیت(ع) و از استادان خارج قفه و اصول حوزه علمیه قم همزمان با آغاز هفته اطعام نیازمندان و اکرام ایام ضمن تحلیل تاریخ حیات اجتماعی امام حسن(ع) توصیه‌هایی برای دولتمردان دارد تا شاهد رفع فقر در جامعه باشیم.

از نقاط عطف در سیره عبادی امام حسن(ع) است که باید الگو شود، زیرا می‌تواند بسیاری راهگشا باشد. اگرچه امروزه مشکلات اقتصادی، اقشار مختلف جامعه را آسیب پذیر کرده است، اما فارغ از ناکارآمدی‌ها و سوءمدیریت‌ها، ما هم باید برای حل این مشکلات ورود کنیم و حداقل به اطرافیان خود توجه داشته باشیم نه آنکه فقط در فکر تأمین معاش خود و بالا بردن رفاه و تجمل باشیم، چنانکه در یک فامیل افراد ثروتمند وجود داشته باشد و هزینه کند، اما دیگری در همان فامیل به نان شب خود محتاج باشد! از این رو، اگر با اقتدا به سیره امام حسن(ع) هر کس در حد توان خود درصدد رفع مشکل دیگران برآید، عمده مشکلات اقتصادی اطرافیان حل می‌شود. باید توجه داشت اگر بخواهیم سیره ائمه(ع) را به سبک زندگی خود تبدیل کنیم، نباید در نظر متوقف شویم، زیرا اثری نخواهد داشت، بلکه باید در عمل آن را پیاده کنیم.

♦ **آیا کمک‌های روزمره و رفع احتیاج‌های آنی فقرا تنها روش امام حسن(ع) در کمک به نیازمندان بوده است؟**

روایتی در تاریخ بیان شده است که امام حسن(ع) درحال عبور از بوستانی غلام سیاهپوستی را دیدند

برای رسیدن به مقام صدیقین و شهدا باید تلاش کنیم

آیت‌الله‌سیدمحمدتقی مدرسی:



خداوند در سوره حدید می‌فرماید: «وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَ رُسُلِهِۦ اُولَئِکَ هُمُ الصّٰدِقُوْنَ وَ الشّٰهِدَآءُ عِنْدَ رَبّٰهِمْ لَیْسَ اَجْرُهُمْ وَ تَوْرَهُمْ وَ الَّذِینَ کَفَرُوْا وَ کَذَبُوْا بِآیٰتِنَا اُولَئِکَ اَصْحَابُ الْجَحِیْمِ»، بر اساس این آیه باید خروجی ما این باشد که به مقام صدیقین، شهدا یا صالحین برسیم. نباید گفت که رسیدن به این مقامات سخت است چنانچه هدفی را برای خود ترسیم و به خدا هم توکل کنیم، تا آنجایی که ما هم دنبالش باشیم، می‌رسیم. صدیق یعنی کسی که راستگوست و در تمام زندگی‌اش در زبان و عمل راستگو می‌باشد و ما نیز باید مثل صدیقین بشویم، درست است که اطراف ما آلودگی‌های زیادی است ولی ما می‌توانیم صدیق باشیم و به مقام صدیقین برسیم. مراقب باشید شیطان شما را وسوسه نکند و نکود سخت است و نمی‌شود، درست است سخت است اما این سختی با توکل به خدا آسان و حتی شیرین می‌شود.

(معارف)

مسلمانان باید تابع تمام قوانین و دستورات اسلام باشند

آیت‌الله جعفر سبحانی:



بایاتنا اولئک اصحاب الجحیم»، بر اساس این آیه باید خروجی ما این باشد که به مقام صدیقین، شهدا یا صالحین برسیم. نباید گفت که رسیدن به این مقامات سخت است چنانچه هدفی را برای خود ترسیم و به خدا هم توکل کنیم، تا آنجایی که ما هم دنبالش باشیم، می‌رسیم. صدیق یعنی کسی که راستگوست و در تمام زندگی‌اش در زبان و عمل راستگو می‌باشد و ما نیز باید مثل صدیقین بشویم، درست است که اطراف ما آلودگی‌های زیادی است ولی ما می‌توانیم صدیق باشیم و به مقام صدیقین برسیم. مراقب باشید شیطان شما را وسوسه نکند و نکود سخت است و نمی‌شود، درست است سخت است اما این سختی با توکل به خدا آسان و حتی شیرین می‌شود.

بایاتنا اولئک اصحاب الجحیم»، بر اساس این آیه باید خروجی ما این باشد که به مقام صدیقین، شهدا یا صالحین برسیم. نباید گفت که رسیدن به این مقامات سخت است چنانچه هدفی را برای خود ترسیم و به خدا هم توکل کنیم، تا آنجایی که ما هم دنبالش باشیم، می‌رسیم. صدیق یعنی کسی که راستگوست و در تمام زندگی‌اش در زبان و عمل راستگو می‌باشد و ما نیز باید مثل صدیقین بشویم، درست است که اطراف ما آلودگی‌های زیادی است ولی ما می‌توانیم صدیق باشیم و به مقام صدیقین برسیم. مراقب باشید شیطان شما را وسوسه نکند و نکود سخت است و نمی‌شود، درست است سخت است اما این سختی با توکل به خدا آسان و حتی شیرین می‌شود.

(دسا)

نکاتی از اخلاق سیاسی امام حسن مجتبی علیه‌السلام

حجت‌الاسلام دکتر قاسم خانجانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و استاد تاریخ اسلام

قرآن و اهل بیت(ع) و امروز تأسی به سیره نظری و عملی آن بزرگواران می‌تواند حلال مشکلات ما و نقشه و چراغ راهمان باشد. در این زمینه سیره فردی، عبادی، اخلاقی و سیاسی امام حسن مجتبی(ع) می‌تواند برای باز کردن گره‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فرد و جامعه راهگشا باشد که به طور مختصر به سه ویژگی مدیریتی آن امام بزرگوار در حیطه سیاسی و حکومتی اشاره می‌شود.

۱- در هر بُعد، سیره امام مجتبی(ع) باید متناسب با زمانه بررسی شود. نقطه عطف سیاست امام حسن(ع) صلح است و اگرچه حتی ممکن است امروز هم بسیاری از آن تعبیر درست نداشته باشند که این برداشت ناصحیح یا از عدم وقوف شان بر شرایط است یا از تفسیر به رأی و متناسب با سلاطین و علایق شخصی آن‌ها ناشی می‌شود؛ به عبارت دیگر این تفاسیر و نظر سیاسی خود را بر فلسفه صلح حسنی تحمیل کرده و هر نوع سازش و کنار آمدن با دشمن و چراغ سبز نشان دادن به دشمن را به این صلح تاریخ ساز تشبیه می‌کنند، در حالی که شرایط، زمینه‌ها، ظرفین و... در صلح حسنی با شرایط امروز منطبق نبوده و مجوز اقدام‌های سیاسی ما نیست. باید توجه داشت، امام حسن(ع) از ابتدا بنا بر صلح نداشتند، زیرا معاویه را به هیچ وجه برای احیای مصالح نمی‌دانستند چه برسد به آنکه او را مناسب خلافت که مقامی الهی است، بلداند از این رو، درصدد مقابله با او به عنوان فردی ناصالح بودند، از طرفی وقتی به جاسوسی‌ها و کارشکنی‌های معاویه پی بردند و نیز زمانی که معاویه برای تصرف کوفه از شاه رهسپار شد، امام برای جنگ با ایشان عزیمت کردند، اما در روزهای پایانی نبرد در سبابط مدائن و هنگام توقف معاویه در منطقه انبار و در



برش

خداوند در سوره زمر به مؤمنان می‌فرماید که از «احسبن» مال خود انصاف کنید، این آیه به مسلمانان توصیه می‌کند که فقر فقیر را ریشه کن کنید تا کرامت و شخصیت او حقیر نشود. این درس بزرگی است که باید از سیره امام حسن(ع) بیاموزیم، دین ما مخالف گداپروری است

که تکه نانی در دست دارد و لقمه‌ای خود می‌خورد و لقمه‌ای به سسگی که در کنارش نشسته بود می‌دهد. این رفتار غلام اسام را متأثر کرد و از او می‌پرسند که چرا به این حیوان محبت می‌کنی؟ غلام پاسخ می‌دهد: من شرم می‌کنم که غذا بخورم و این حیوان به من نگاه کند. امام از این رفتار غلام براحتی عبور نکردند و به صاحب بوستان که ارباب غلام بود فرمودند که من این غلام را از تو می‌خرم، و او را از آزاد می‌کنند. اما ایسن پایان ماجرای غلام نیست، زیرا امام توجه داشتند که این فرد پس از آزادی هیچ سرمایایی ندارد و گذران زندگی بر او

♦ **پیشنهاد شما به دولتمردان چیست؟**

روش حکومتی امام حسن(ع) حاوی نکات مهمی برای دولتمردان است. زیرا امام حسن(ع) تنها در دوره‌ای که به عنوان یک شهروند بدون منصب حکومتی بودند، اتفاق نداشتند بلکه در تمام طول عمر به فقرا کمک می‌کردند. کسانی که قدرت سیاسی و اقتصادی کشور در دست دارند باید از محل بیت المال و مالیات اسلامی مانند خمس و زکات برای نیازمندان و مستمندان اشتغال ایجاد کنند تا دست‌های نیاز در جامعه به سوی کسی دراز نباشد.

باید کاری کنیم که فقر در کشور ریشه کن شود. خداوند در سوره زمر به مؤمنان می‌فرماید که از «احسن» مال خود انفاق کنید. این آیه به مسلمانان توصیه می‌کند که فقر فقیر را ریشه کن کنید تا کرامت و شخصیت او حقیر نشود. این درس بزرگی است که باید از سیره امام حسن(ع) بیاموزیم، دین ما مخالف گداپروری است.

♦ **آیا این شیوه رفع فقر که شما به آن اشاره داشتید به عدالت اقتصادی و رفع فاصله طبقاتی منجر می‌شود؟**

مهم‌ترین اتفاقی که در ایجاد اشتغال برای نیازمندان رخ می‌دهد همین است که اول فقر ریشه کن می‌شود و دوم فاصله بین طبقه محروم و مرفه کم می‌شود و این همان تحقق عدالت اقتصادی است. فقر و فقیر در شأن جامعه اسلامی نیست. پیامبر(ص) فرمودند: خدایا از فقر به تو پناه

می‌برم. امام سجاده(ع) نیز فرمودند: خدایا پناه می‌برم به تو از اینکه به دیگران محتاج باشم. همچنین امام صادق(ع) در نکوهش فقر فرمودند: فقر، به کفر ختم می‌شود. روایت‌هایی که از ائمه(ع) در نکوهش فقر بیان شده نشان دهنده فاجعه فقر برای فرد و جامعه است.

خطر فقر بزرگ‌ترین خطر برای جامعه دینی است زیرا وقتی بیکاری و فقر در جامعه‌ای زیاد شد، فساد، فحشا، اعتیاد، قاچاق و هزاران جرم تولید می‌شود که نتیجه به ریشه جامعه دینی می‌زند، بنابراین فقر پایه بسیاری از گرفتاری‌های اجتماعی است که باید به همت اسمن اها، خیریه‌ها، ثروتمندان و دولتمردان کمر همت بسته و با تأسی به سیره امام مجتبی(ع) برای رفع این بایذ، جان و ایمان مردم اقدام کنیم.

فقر و فقر

معارف

پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۷

۱۵ **رمضان ۱۴۳۹** | **۳۱** **می ۲۰۱۸** | **سال سی‌ویکم** | **شماره ۸۶۹۹**

قصارالآیات

ا سیدمصطفی حسینی راد

اطعام و اکرام فقرا کاری خدایی است

وَهُوَ یُعِطُهمْ وَلَا یُطْعَمُ

«اوست آذخاوند» که می‌خواند و اطعام نمی‌شود»

(سوره مبار که انعام، آیه ۱۴)

انسان‌ها برای اینکه رنگ خدایی بگیرند باید کارهای خدایی بکنند. حالا پرسش این است که مگر انسان‌ها می‌توانند کار خدایی بکنند؟ بله! هر کار خوبی که خداوند به آن فرمان داده و از انجام آن خشنود می‌شود. کار خدایی است، اصلاً بسیاری از صفات خداوند (به جز صفاتی که خاص اوست مانند وحدت، خالقیت، رزاقیت، رحمانیت و ...) صفاتی است که انسان‌ها هم در درجات بسیار پایین‌تر برای کمال به آن نیاز دارند. این صفات در حد کمال متعلق به خداوند است اما ذات مهربان او، دوست دارد که بندگان نیز به این صفات نیکو آراسته شوند. صفاتی مانند، عدالت، رحمت، مهربانی، زیبایی، حق‌مداری، حلم، علم، صبر و بسیاری صفات پسندیده دیگر.

در این میان یکی از صفات که ویژه خداوند است اما بندگان نیز می‌توانند آن را در حد خود داشته باشند، «طعم» بودن است؛ یعنی اطعام کردن و غذا دادن به دیگران. با این تفاوت که بندگان غذا می‌دهند و خودشان هم به خوردن غذا نیاز دارند اما خداوند غذا می‌دهد بدون اینکه نیاز به خوردن غذا داشته باشد چون اساساً او بی‌نیاز است. «الله الضمء». حالا می‌توان فهمید که چرا خداوند در قرآن کریم این قدر بر انفاق و اطعام و دستگیری دیگران به خصوص مساکین، یتیمان، فقیران، درماندگان و حتی مهمان کردن نزدیکان، تأکید کرده است. زیرا این کار، یک کار خدایی است و به انسان رنگ خدایی می‌دهد! در روایات اسلامی نیز بی‌شمار حدیث درباره اهمیت اکرام و اطعام مؤمنان و مساکین و فقرا وارد شده و نبی مکرم اسلام و امامان معصوم(ع) نیز در سیره عملی خود، توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته‌اند. خانه آنها همواره محل آمد و شد و اطعام و اکرام مهمانان بوده و خودشان نیز همواره نسبت به بردن طعام به خانه فقرا و نیازمندان اهتمام داشته‌اند. خانه انیم که همه امامان معصوم ما که درود خدا بر آنان باد، نیمه شب‌ها، انبان نان غذا به دوش و روی پوشیده به در خانه نیازمندان می‌رفتند و آنها را از لطف خود بهره‌مند می‌ساختند. آن بزرگواران همواره بهترین غذاها را به مهمان می‌دادند چرا که اکرام مهمان را واجب می‌دانستند. فرهنگ امروزی ما نیز که می‌گوید «مهمان حبیب خداست» برخاسته از سیره و روش همان بزرگواران است. اطعام و اکرام بندگان خدا بخصوص فقرا و یتیمان در ماه مبارک رمضان که ماه خداست، فرصتی است برای تقرب به ذات قدس الهی و همدلی و نزدیک شدن به خلق خدا. هر یک از ما می‌توانیم سهمی هر چند اندک در این اکرام ارزشمند فقرا، نیازمندان و یتیمان داشته باشیم.

دارالشفاء

جایگاه ماه مبارک رمضان در بیان امام حسن

معارف: امام حسن مجتبی(ع) در یک روایت ماه مبارک رمضان را به مثابه میدان مسابقه‌ای برای خلاق معرفتی فرمود.
نهج‌البلاغه و صحیفه سجادهیه مافوق همه کتاب‌ها هستند، اما جای تأسلف است که مردم برای همه چیز وقت کافی و برنامه‌ریزی داشته باشند، اما برای خواندن کتاب شریف نهج‌البلاغه مجال فرازی نمی‌دهند. جرج جرداق مسیحی می‌گوید بیش از ۲۰۰ بار این کتاب ارزشمند را خوانده است و این در حالی است که بسیاری از مردم حتی یک دوره این کتاب را نخوانده‌اند، نقل از مرحوم دشتی مترجم نهج‌البلاغه است که این گفته جرداقی مسرا آتش زده و توفانی در من ایجاد کرد که بنیاد احیای نهج‌البلاغه را از اندازی کردم. مردم مقید باشند که روزی حداقل ۱۰ تا ۲۰ دقیقه به خواندن این کتاب بپردازند، چرا که کلمات این کتاب آسان را به حرکت وادار می‌کند. تمام دغدغه حضرت امیر(ع) این است که بندگان الهی قریب دنیا را نخورند و با دنیاپرستی و کوردلی آخرت خود را تباه نکنند.

ویژگی کریمان در بیان کریم اهل بیت(ع)

باشگاه خبرنگاران پویا: معاون فرهنگی و هنری مؤسسه دارالحديث به ارائه حدیثی از امام مجتبی(ع) درباره ویژگی‌های کریمان و سخاوتمندان پرداخت.
حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدتقی سبحانی‌نیا، درباره شخصیت امام حسن(ع) نیز یادآور شد: امام مجتبی(ع) حلم و بردباری بسیار بالایی داشتند و به خود و جود و سخاوت نیز معروف بودند، طوری که بارها تمام یا نیمی از اموالشان را به نیازمندان بخشیدند.

وی با اشاره به خطبه‌ای از امام مجتبی(ع) درباره اخلاق کریمان گفت: آن حضرت در این خطبه به ارائه ویژگی‌های کریمان و سخاوتمندان می‌پردازد و می‌فرماید: «أَیُّهَا النَّاسُ أَنَا أَخْبِرُكُمْ عَنْ أَخْلِیْ کَانَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ فِیْ عَیْنِیْ»ای مردم، من شما را از برادری که در نگاهم مورد احترام است و جایگاه برتری دارد خبر می‌دهم «وَ کَانَ رَأْسُ مَا نُعْظَمُ بِهِ فِیْ عَیْنِیْ صَفَرُ الدُّنْیَا فِیْ عَیْنِیْ»، یکی از آن ویژگی‌هایی که باعث شد آن برادر نزد من جایگاه ویژه‌ای داشته باشد، این بود که دنیا نرذش بسیار کوچک بود.

در نمایشگاه قرآن مشهد

کتاب «تربیت اخلاقی از منظر قرآن» رونمایی شد



معارف: کتاب «تربیت اخلاقی از منظر قرآن» در غرفه جامعه‌المصطفی(ص) العالمیه واحد مشهد همزمان با هشتمین شب سیزدهمین نمایشگاه قرآن و عترت مشهد رونمایی شد.
دادمحمد امیری، طلبه مقطع دکترای رشته تفسیر تطبیقی جامعه‌المصطفی(ص) العالمیه از کشور افغانستان و مؤلف کتاب «تربیت اخلاقی از منظر قرآن» گفت: مباحث تربیتی این کتاب براساس تفاسیر قرآن استخراج و در ۶ بخش گردآوری شده است.
وی افزود: منابع اثر شامل کتاب‌های تفسیر قرآن، روایات رسیده از ائمه اطهار(ع) و کتاب‌های اخلاقی علمای اسلامی با محوریت آیات قرآن کریم است که کار جمع آوری و ویرایش آن سه سال به طول انجامیده است.

نداشتند و بر اساس واقعیات موجود اقدام می‌کردند. روح این سیره اخلاقی دستاورد تعبد و احساس بندگی در وجود ایشان است که وقتی خدا بنده خدا می‌داند برای رسیدن به حق، از باطل مدد نمی‌گیرند و باطل را دستاویز قرار نمی‌دهند که این سیره اخلاقی و اخلاق سیاسی ائمه در روح تعبد آن حضرات ریشه دارد.

۳- انتخاب کارگزاران امین، صادق و مسئولیت پذیر در حکومت نبوی و خلافت علوی به دلیل طولانی‌تر بودن مدت، نمود بیشتری داشته است و در دوره کوتاه حکومت امام حسن (ع) به دلیل صرف بیشتر وقت و توان برای جنگ با معاویه و ساماندهی نیروهای نظامی، بیشتر وقت صرف درگیری‌هاست، اما باز هم می‌بینیم کارگزاران حضرت همگی خوشنام و توانمند هستند اگرچه بعدها کسانی همچون عبیدالله بن عباس با توطئه معاویه از ایشان جدا شدند، اما بودند شخصیت‌هایی مانند قیس بن سعد که هم در ایمان و تقوا ممتاز و مؤمن بودند و هم در درجه‌ای از توانایی قرار داشتند که می‌توانستند کار را پیش ببرند.

بسیاری از کارگزاران خلافت کوتاه ایشان از دوران امیرالمؤمنین(ع) بر سر کار بودند، همچون حجرین عدی و حبیب بن مظاهر که این خصوصیات را داشته‌اند و باید این ارزش‌ها ملاک انتخاب‌های امروز کارگزاران در حکومت اسلامی باشد، یعنی توجه به ایمان، تقوا و پاکدستی در کنار تخصص و توان. علاوه بر این، در کارگزاران مخلص ایشان دنیاگرایی و تجمل پرستی وجود نداشت و این مهم باید در کارگزاران جامعه اسلامی نیز وجود داشته باشد.

[illegible]

ادب و هنر

یادداشت



به مدیریت جلسه انتقاد داشتیم

امارتقم

افشین علا

دیدار رضائی رهبر معظم انقلاب با شاعران به دلیل نوع مدیریت این جلسات در سال‌های اخیر، نمادی از دیدار کل شاعران انقلاب با گرایش‌های متفاوت با رهبر انقلاب نیست بلکه دیداری که نهادی خاص یعنی حوزه هنری سازمان تبلیغات عهده دار برگزاری آن است و در سال‌های اخیر هم شورایی متشکل از چند شاعر که عضو حوزه هنری هستند در خصوص نحوه دعوت از افراد و اینکه چه کسانی شعر بخوانند و چگونه شعر بخوانند تصمیم می‌گیرند. این رفتارها قطعاً موجب سرخوردگی و پرهیز بسیاری از کسانی می‌شود که جایشان در این محفل هست اما جایشان خالیست. من به عنوان یک شاعر به نحوه مدیریت این مراسم این انتقاد را دارم کما اینکه سال‌هاست اجرای این برنامه به یک دوست عزیز سپرده شده است. از مدیریت این محفل مهم توقع می‌رود با درایت و هوشمندی بیشتری جلسات را اداره کنند.البته جناب مؤمنی شریف یکی از چهره‌های فرهنگی خدوم و مخلص کشور هستند اما به نحوه عملکرد ایشان هم در خصوص این دیدار انتقادهای فراوانی وارد است و من فکر می‌کنم در خصوص حضور همه شاعران با تفکر انقلابی، خلأ مهمی وجود دارد و با این نوع عملکرد هم به برخی شاعران بی توجهی می‌شود و هم فجایی است به رهبر معظم انقلاب با آن نگاه و وسعت مشرب گسترده. به هر حال ایشان با همه مشغله‌هایی که دارند سالی یک بار را به این مسئله اختصاص می‌دهند تا از روند ادبیات انقلاب و جریان شعر متعدد کشور آگاه شوند اما در این جلسات از حضور همه سلیقه‌ها، گرایش‌ها و افراد خبری نیست و برخی افراد تا حد زیادی سلیقه‌ای انتخاب می‌شوند. دیدار رضائی رهبر معظم با شاعران یکی از دیدارهای پرخطره است. این دیدارها در دهه‌های گذشته که به شدت سمال‌های اخیر ادب و تربیتی هم نداشت با صمیمیت بیشتری همراه بود. شاعران پیشکسوت و شاعران جوان در کنار هم در آن حلقه حضور داشتند و تضارب افکار زیادی صورت می‌گرفت اما الان به گونه‌ای شده که حتی برای اشخاص از قبل جا و صندلی تعیین می‌شود، این نوع رفتار و برخورد با شاعر، در شان او نیست، من همه این‌ها را نتیجه نوع مدیریت این دیدارها می‌دانم و چندین بار هم به این مسئله انتقاد کرده‌ام. اگر من در سال‌های اخیر در این جلسات کمتر حضور داشتم‌ام به دلیل انتقاد بر نوع مدیریت جلسات بوده است و نه چیز دیگر. باین حال با همه انتقادهایی که بر نوع مدیریت محفل دارم امسال در این نشست شرکت کردم چون نمی‌خواهم بین شاعران انقلاب و جایگاه رفیع رهبر معظم انقلاب فاصله‌ای ایجاد شود.

گفت و گو

قاسم رفیعا در گفت و گو با «قدس آنلاین» از دیدار سالانه شعرا با رهبر انقلاب می‌گوید

نقطه عطف شاعری من

اقدس آنلاین / نازلی هروت



قاسم رفیعا شاعر و طنزپرداز، با اشاره به حضورش در دیدارهای شاعران با رهبر انقلاب، گفت: جنس دیدارهای رهبر معظم انقلاب با شعرا با دیدارهای ایشان با سایر اقشار تفاوت دارد، ایشان با دانشجویان، قاریان قرآن و مداحان نیز دیدار دارند اما آنچه جلسات دیدار شعرا را متفاوت می‌کند فضای عاطفی و احساسی است که برجلسات دیدار شعرا را رهبر معظم انقلاب حاکم است. این شاعر مشهدی درباره توجه رهبر معظم انقلاب به شعر و ادبیات اظهار کرد: علت اینکه جلسات دیدار شعرا با رهبر معظم انقلاب بسیار پربار است، این است که ایشان اهل شعر و مطالعات به روز هستند و مجموعه‌های تازه چاپ شده را مطالعه می‌کنند. همچنین از قدیمی‌های انجمن فرخ مشهد هستند و با بزرگان آن جلسه با سابقه دشو و نشر داشتند بنابراین شخصیتی کاملاً ادبی دارند و در حوزه ادبیات صاحب نظر هستند و اظهار نظرهای کارشناسی ارائه می‌دهند.

باید جوانان به دیدار با رهبری بروند

وی با انتقاد از برگزاری کنندگان جلسات مذکور اظهار کرد: متأسفانه مسائلی برای شرکت در این جلسات وجود دارد. برخی از دوستان شاعر در این جلسات بهیچ‌وجه حضور ندارند اما هیچ وقت شعر نمی‌خوانند. رفیعا تأکید کرد: باید فضا برای شاعران خوش ذوق، مستعد و خوش قریحه شهرستانی فراهم شود تا در جلسه دیدار با رهبر انقلاب حضور یابند. این شاعر مشهدی افزود: توصیه من به دوستان شاعر این است که فضا را برای جوان‌ها فراهم کنید قول می‌دهم اگر یک سال غایب باشید مردم پشت سر شما حرف نمی‌زنند. قاسم رفیعا در ادامه به فضای صمیمی دیدار رهبر معظم انقلاب با شعرا اشاره کرد و گفت: در دیدارهایی که من حضور داشتم این فضای صمیمی را تجربه کردم و اصلاً احساس نمی‌کردم بالاترین مقام کشور رو به روی من نشسته بلکه فضای کاملاً شاعرانه و دوستانه است که بیشتر از هر چیزی برای من اهمیت دارد.

ماجرای ۴ غذای نذری

وی به بیان خاطره‌ای از دیدار خود با رهبر معظم انقلاب پرداخت و افزود: شعر طنز «چچه محله امام رضا» را در محضر رهبری قرائت کردم و ایشان هم شوخی‌هایی داشتند که با پاسخ‌های من همراه بود. این فضای کاملاً دوستانه که با کل کل‌های ادبی همراه بود برآیم خیلی جالب و اثر گذار بود، البته دفعات دیگر هم در دیدارها حضور یافتم اما فرصت شعر خوانی نداشتم هر چند به دوستان اصرار کردم اجازه بدهید شعرم را بخوانم آقا خوش می‌آید، اما اجازه نیافتم.

رفیعا در ادامه به بیان خاطراتی از برخورد مردم بعد از پخش شعرخوانی در محضر رهبر معظم انقلاب از تلویزیون پرداخت و گفت: یکی از بخش‌های جالب توجه مردم در شعرم بخشی بود که برای زتون غذای حرم گفتیم. در یکی از برنامه‌ها که دآوری داشتم وقتی برای اهدای جایزه به روی سن رفتم، قائم مقام وقت آستان قدس گفت می‌خواهم این ۴ زتون غذای هممناسرا را به آقای رفیعا بدهم که گله نکند که غذای حرم به ما نرسیده! بعد مراسم رفعت حرم و غذا را گرفتم تا به منزل ببرم. مادر و دختری از کنار رد شدند، دختر به مادرش گفت: این آقا همانی است که در دیدار رهبری گفت غذای حرم نخوردم. این آقا که هر روز غذای حرم می‌برد خانهاش! این شاعر طنزپرداز با بیان اینکه پس از آن دیدار معروف مسیر من در سرون شعر تغییر کرد، گفت: من اثری از غزل هم دارم اما بعد آن جلسه دیدار با رهبری نقطه عطفی در زندگی‌ام رخ داد و موجب شد تا فضای شعری‌ام به سمت طنز گرایش پیدا کند.

در گفت و گوی قدس با سید عبدالله حسینی مطرح شد

جلسه شاعران با رهبر انقلاب چگونه پا گرفت؟



ادب و هنر / موسوی | عبدالله حسینی به چند خصیصه در فضای ادبی کشور مشهور شده است. ابتدا روحیه پافشاری و اصرار و سپس صراحت و رک‌گویی. شاید هم جمع همین دو ویژگی بود که باعث شد پیراهن امام(ره) را به یسادگار بگیرد. اما ردپای این روحانی شاعر در شکل‌گیری جلسات شعر رمضان رهبر انقلاب هم دیده می‌شود. با حجت الاسلام سید عبدالله حسینی، روحانی و شاعر برجسته کشورمان که سال‌ها جدا از بعد ادبی‌اش رابزن فرهنگی ایران در کشورهای آفریقایی بوده است، درباره منشأ این جلسات و نگاه رهبر معظم انقلاب به شعر و شاعران به گفت و گو نشستیم.

♦ شما تداوم جلسات شعر رمضان رهبر انقلاب را چگونه تفسیر می‌کنید؟ این مداومت دلیل خاصی دارد؟

یک قسمت تداوم این جلسات به روحیه شعردوستی و نگاه شخصی ایشان به شعر بر می‌گردد. ایشان در جلسات شعری که ما در مشهد در سال ۶۴ داشتیم از نقاط قوت جریان شعر خراسان نسبت به جریان شعر اصفهان می‌گفتند و متشخص بود که به این جریان‌ها اشراف دارند. یک بار هر دو به جلسه شعر شاعران اصفهان رفتیم و هم من شعر خواندم و هم ایشان برای اولین بار فهمیدم ایشان شاعر هم هستند. و از شعرهای هردویمان هم استقبال شد. آنجا دلیل دیگر آن اهمیت شعر است، ایشان به واسطه جایگاهی که دارند به خوبی به تنها محصولی که محتوا و فرم آن وارداتی نیست و به نوعی هنر بومی و عمومی است توجه دارند. با همین توجهات است که امروزه شاهد رشد جریان شعر هم در حیطه آیینی و هم در حیطه ملی هستیم.

♦ شما در جریان مرادوات ایشان با شاعران پیش از انقلاب هم بودید؟

بله. قبل از انقلاب ایشان مرادواتی با جلسات شعر مرحوم کمال پور، باقرزاده، قدسی و قهرمان داشتند و آن‌ها را می‌شناختند.

این رفاقت‌ها علی‌رغم خطوط سیاسی این افراد بعد از انقلاب هم ادامه پیدا کرد. به طوری که بعد از انقلاب به همراه شفیع کدکنی به دیدار اخوان ثالث می‌روند. با مرادوات ایشان با امیری فیروزکوهی هم ادامه پیدا می‌کند. خاطره جالبی هم از مرحوم کمال پور در همین زمینه به یاد دارم. یک روزی من رفتم بودم مرحوم کمال را برای جلسه شعرخوانی رهبری دعوت کنم. ایشان گفت من با افتخار می‌آیم سیدعلی را ببینم. بعد خاطره‌ای را از ایشان نقل کرد و گفت: ما ایشان را قبل از انقلاب در جلسات شعر زیاد می‌دیدیم. اما بعد از انقلاب و گذشت سال‌ها فکر نمی‌کردم اصلاً ما را یادشان باشد. تا اینکه یک بار مشکلی برای پسرکم که سرباز بود پیش آمده بود. من به هر دری که می‌زدم نمی‌توانستم کاری بکنم. یک مرتبه به ذهنم رسید که من دوستی دارم که الان رئیس جمهور است. بدون هیچ قرار و هماهنگی قبلی بلند شدم رفتم پیش مسئول دفترش و گفتم می‌خواهم آیت الله خامنه‌ای را ببینم. سر و

آنچه می‌خوانید

سیراغ آقای گلپایگانی رفتیم و گفتیم که ما طبق سنت هر سال جلسات شعری با حضور ایشان برگزار می‌کنیم. ایشان گفت دیگر گذشت آن زمان. آن زمان ایشان رئیس جمهور نبود الان رهبر شده اند و مسئله فرق دارد. این کار شدنی نیست، ما فکر کردیم حتما خود رهبری تمایلی دیگر به ادامه این جلسات ندارد

وضع هم اصلاً مناسب نبود. آن‌ها گاهی به سر و وضع من کردند و گفتند آقا! این شخصی که شما می‌خواهید او را ببینید رئیس جمهور است، بدون هماهنگی که نمی‌شود!

گفتم شما کاری به این کارها نداشته باشید. بروید به ایشان بگویید یک شاعری به نام کمال پور آمده است و می‌خواهد شما را ببیند. یا اجازه می‌دهد یا نمی‌دهد دیگر. پس از کلی صحبت رفتند و پیغام من را به ایشان دادند. یک مرتبه دیدم چند نفر از داخل اتاق آمدند و من را با احترام فراوان به داخل بردند. تا مرا دیدند شروع کردند به تقدیر و دلجویی. وقت نماز شد، رفتند نماز اما من را برای ناهار نگه داشتند و کلی احترام گذاشتند. البته ایشان می‌گفت که ایشان مشکلمان را رفع نکردند و گفتند این مسئله مجرای قانونی خودش را دارد و من در این امور دخالت نمی‌کنم اما همان برخورد خوب و احترام آمیز موجب شد ارادت من به ایشان دوچندان شود.

♦ ایده اولیه این جلسات از چه زمانی شکل گرفت؟ نقش شما در این میان چه بود؟

ما جلساتی را در مشهد از سال ۶۳ تا ۶۸ برگزار می‌کردیم. آن زمان ایشان رئیس جمهور بود.

کوتاه و خواندنی

این محفل آغازی برای نشاط ادبی در طول سال است

اشاره به نکات دیگر تصریح کرد: این برنامه در واقع آغازی برای حرکات عظیم ادبی در طول سال شمرده می‌شود و از سال‌های گذشته ادامه داشته است، اما از زمان رسانه‌ای شدن آن شاهد رشد در ادبیات کشورمان هستیم. این شاعر، شعر انقلاب را در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ دارای رشد چشمگیر دانست و خاطر نشان کرد: ما در دهه ۸۰ و ۹۰ شاهد رشد ادبیات خصوصاً شعر بوده‌ایم، به نحوی که اشعار شبه روشنفکری عیاری در روزگار ما ندارد و شعر انقلاب در همه ابعاد، دفاع مقدس، عاشقانه و آئینی سرآمده شده و در حال پیشرفت است.

فارس: حجت‌الاسلام زمانی با اشاره به دیدار شاعران در نیمه ماه مبارک رمضان با رهبر انقلاب آن را آغازی برای حرکات عظیم ادبی در طول سال دانست.



وی درباره جلسات شعرخوانی نیمه‌ماه مبارک رمضان در محضر رهبر انقلاب اظهار داشت: این شب شعر و دیدار از چند جهت حائز اهمیت است.

زمانی ادامه داد: اولین نکته اینکه، این دیدار بزرگ‌ترین اتفاق ادبی سال محسوب می‌شود که به گفته ادبا، شعرا و اهالی رسانه مهم‌ترین اتفاق سالانه ادبی کشور است. حجت‌الاسلام زمانی در ادامه سخنان خود ضمن

حجت‌الاسلام زمانی با اشاره به دیدار شاعران در نیمه ماه مبارک رمضان با رهبر انقلاب آن را آغازی برای حرکات عظیم ادبی در طول سال دانست.

وی درباره جلسات شعرخوانی نیمه‌ماه مبارک رمضان در محضر رهبر انقلاب اظهار داشت: این شب شعر و دیدار از چند جهت حائز اهمیت است.

زمانی ادامه داد: اولین نکته اینکه، این دیدار بزرگ‌ترین اتفاق ادبی سال محسوب می‌شود که به گفته ادبا، شعرا و اهالی رسانه مهم‌ترین اتفاق سالانه ادبی کشور است. حجت‌الاسلام زمانی در ادامه سخنان خود ضمن

حجت‌الاسلام زمانی با اشاره به دیدار شاعران در نیمه ماه مبارک رمضان با رهبر انقلاب آن را آغازی برای حرکات عظیم ادبی در طول سال دانست.

وی درباره جلسات شعرخوانی نیمه‌ماه مبارک رمضان در محضر رهبر انقلاب اظهار داشت: این شب شعر و دیدار از چند جهت حائز اهمیت است.

زمانی ادامه داد: اولین نکته اینکه، این دیدار بزرگ‌ترین اتفاق ادبی سال محسوب می‌شود که به گفته ادبا، شعرا و اهالی رسانه مهم‌ترین اتفاق سالانه ادبی کشور است. حجت‌الاسلام زمانی در ادامه سخنان خود ضمن

رهبری بر جریان شعر معاصر اشراف دارند

باشگاه خبرنگاران: حجت‌الاسلام والمسلمین زکریا اخلاقی، شاعر «تبسم‌های شرقی» درباره جلسات شاعران با رهبر انقلاب گفت: این جلسات سبب می‌شود که شاعران به مسیر درستی هدایت شوند. علاوه بر اینکه مقام رهبری در این جلسه وقت می‌گذارند و شعراهای ارائه شده را که نمونه‌ای از شعرهای کشور در آن سال است، گوش می‌دهند، شاعران نیز آثار خود را به ایشان تقدیم می‌کنند و اطلاع دارم که ایشان این آثار را دقیق مطالعه می‌کنند؛ از این جهت مشرف بر جریان شعر معاصر هستند و نظرات کارشناسانه‌ای که در آخر دیدار معمولاً ارائه می‌فرمایند، برای شعر معاصر راهگشاست و مسیر درست را به شاعران نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، این جلسات سبب شده تا شعر به مسیر اشتباه نرود. به گفته اخلاقی: در دیدار نیمه ماه مبارک رمضان از هر صنفی شعر می‌خوانند که بخشی از آنها حوزویان هستند، اما ما مدّایی دیدار نیمه‌ماه مبارک، دیدارهایی مختص حوزویان در نظر گرفته شده است و ایشان در این جلسات نکاتی را به عنوان راهنمایی و برای هدایت شاعران حوزه فرموده‌اند. این شاعر خاطر نشان کرد: ما در دهه ۸۰ و ۹۰ شاهد رشد ادبیات خصوصاً در حوزه‌های مختلف شعر بوده‌ایم، به نحوی که اشعار شبه روشنفکری عیاری در روزگار ما ندارد.



برای نسل شاعران پیش از من هم سکوی پرش بوده است و شاعران دهه ۶۰ بعد حضور در این جلسات هم قریحه شعری و هم شعرشان را نسبت به قبل جدی‌تر گرفتند چون در فضای فرهنگی فعلی کشور ما تنها بستری که مردم با شعر ارتباط برقرار می‌کنند همین دیدارها و انعکاس آن به جامعه است.

این شاعر جوان که توانست در ۱۸ سالگی در جشنواره شعر دانش آموزی حایز رتبه برتر شود تا بتواند شعرش را در محضر رهبر انقلاب بخواند، ۲۲ سالگی مجموعه اعشارش را با عنوان «ایما» منتشر و در دیدار بعد تقدیم رهبر معظم انقلاب کرد.

♦ سهولت در انتشار اولین مجموعه شعر

سجاد سامانی که در ابتدای مسیر شعری موفق شده است در دیدار رهبر معظم با شاعران شرکت کند و شعر بخواند، معتقد است دیدار رهبر معظم با شاعران جوان موجب معرفی آن‌ها به جامعه ادبی و کارشناسان می‌شود. او می‌گوید: بعد از حضور در همین نشست اعتبار دیگری برای من و اعتراف قابل‌شدن و مسیر انتشار اولین مجموعه شعرم که در کشور ما معمولاً به سختی انجام می‌شود، با سهولت بهتری انجام شد. سامانی با بیان اینکه جلسات دیدار با رهبر انقلاب موجب اعتبار بخشیدن به شاعران جوان و بیشتر دیده شدن آن‌ها می‌شود، تأکید می‌کند: این جلسات

گزارش

دیدار رضائی شاعران با رهبر معظم انقلاب موجب معرفی بسیاری از آن‌ها به جامعه ادبی شده است

تریبونی برای شاعران ناشناخته

می‌شود و روی ذائقه مردم اثر می‌گذارد، قطعاً این مسئله یک نکته مثبت برای شاعرانی است که به دلایلی کمتر دیده شده‌اند.

♦ باری که رهبر تنها به دوش می‌کشد

به گفته بسیاری از شاعران، دیدار رهبر با شاعران جوان موجب دیده شدن شعر آن‌ها و معرفی آن‌ها به جامعه ادبی بوده است. سید محمد مهدی شفیع که توانست اولین مجموعه شعرش را با عنوان «مرز ما عشق است» پس از اولین دیدار رضائی با رهبر معظم انقلاب منتشر کند، در خصوص تأثیر این دیدارها بر معرفی شاعران جوان می‌گوید: تا به امروز رسانه‌های فرهنگی در ترویج شعر انقلاب و آشنا کردن جامعه با شاعران انقلاب اسلامی ضعیف عمل کرده‌اند و این جلسه تنها تریبونی است که از طریق آن شاعران جوان مستعد می‌توانند جامعه را مخاطب خودشان قرار دهند. این شاعر جوان ادامه می‌دهد: امروز توجه جدی رهبری و بی توجهی جدی رسانه‌ها و فضای فرهنگی به شعر و ادبیات انقلاب اسلامی باعث اهمیت این جلسه می‌شود. همان طور که

گزارش جیی

حلیم اینترنتی!



ایستگاه/امید ظرافتی دم دمه‌ای غروب بود و ضعف روزه حسایی من و خانواده محترم را برده بود. به اصرار مادرجان که حال اظطاری درست کردن نداشت راه افتادم توی خیابان دنبال حلیم. در کمال تعجب دیدم از ابزار فروشی محل بگیر تا پیتزا فروشی و آبمیوه فروشی همه یکی یک دیگ گذاشته‌اند جلوی مغازه شان و آش و حلیم می‌فروشدن و ملت هم صف کشیده‌اند که بیا و ببین! از آنجایی که با اصغراقا ایزاری رفیق بودم زدم توی مغازه و سلام و احوالپرسی نکرده، گفتم: «اصغر آقا آشپز شده‌ای! همان طور که حلیم مشتری‌ها را می‌کشید خندید و گفت: «زندگی خرج دارد پسر جان! البته خودم که نپنختم. پسر از اینترنت سفارش داده. چهره متعجبم را که دید ادامه داد:» توی گوگل بزن حلیم! سایت‌های مختلف با قیمت‌های جور واجور باز می‌شود. البته فقط دیگی می‌فروشدن و فروش جزئی ندارند». سرش را جلو آورد و طوری که مشتری‌ها نشیوندن گفت: «بین خودمان بماند، همین دیگ را کیلویی ۳۰۰۰ تومن خریدم با ارسال رایگان! الان هم کیلویی ۱۱ تومن می‌فروشم. اصل سود است لامصب! برای تو همان سه تومن حساب می‌کنم، چند کیلو می‌بری؟» آن روز از ترس جان خودم حلیم را زدم و روزه را با جایی و نان و پنیر باز کردم. بعد از افطار با جست‌وجو در اینترنت فهمیدم که طبق ادعای رئیس اتحادیه آش و حلیم، هر کیلو حلیم بهداشتی و مجوز دار برای آشپزخانه ۱۱ هزار تومان آب می‌خورد و مجاز است تا ۱۵ هزار تومان آن را بفروشد. حالا توی حلیم‌های اینترنتی از چه موادی استفاده می‌شود و برای فروشنده چند در می‌آید که با محاسبه سوده هزینه ارسال و دستمزد کارکنان فقط ۳۰۰۰ تومان به فروش می‌رسد؟! طبق ادعای همان رئیس اتحادیه آش و حلیم در این حلیم‌ها از آرد و سبزیایی گاو به طرز حرفه‌ای استفاده می‌شود طوری که من و شفا فکر می‌کنیم حلیم محترم با گوشت درجه یک گوسفندی پخته شده است و معدم بچهار مان تقاص ساده انگاری مان را پس می‌دهد!

حالا که ما روزه به روز تنیل تر و صف‌های حلیم هم روزه به روز طولی تر می‌شوند و مسئولان عزیز هم ضعف روزه بر دشتان و قصد فیلتر کردن حلیم فروش‌های اینترنتی را ندارند، شما مردم محترم لطف کنید فقط از مکان‌های معتبری که خودشان حلیم می‌پزند، حلیم تهیه کنید. نشانه شان هم بنرهای یک شکل اتحادیه و شماره عاملیت فروش مجاز بر روی آن هاست.

نشریات جهان

ایستگاه / امیر محمد سلطان پور

بیخیال ویروس اسکن‌ها شویم؟

ماهنامه پی‌سی‌پرو که تمرکز خود را بر جهان کامپیوتر و الکترونیک می‌گذارد، در پرونده‌ای با عنوان «از قبض‌های شوکه‌کننده دوری کنیبد» راهکارهایی را به خوانندگان خود نشان می‌دهد که در آن می‌توانند از هزینه‌های «یواشکی» که به خاطر مصرف اینترنت و تماس، بر قبض موبایل خود متحمل می‌شوند دوری کنند. این مجله همچنین در مقاله‌ای به آخرین وضعیت ویروس‌ها در ابزارآلات الکترونیکی پرداخته و لزوم ادامه استفاده از نرم‌افزارهای ضدویروس را مورد سؤال و تردید قرار می‌دهد.

تمام چیزهایی که از اسطوره بارسلونا نمی‌دانید

هفت‌نامه فرانس فوتبال چاپ فرانسه در تازه‌ترین شماره خود در پرونده‌ای با عنوان «زیدان و ابداع دوباره رنال مادرید، به موفقیت اسطوره فوتبال این کشور از زمان انتخاب به عنوان سرمربی رئال پرداخته که شامل سه قهرمانی پیاپی در اروپا بوده است. این مجله گزارشی نیز در خصوص آندرس اینیستا اسطوره تازه خداحافظی کرده باشگاه بارسلونا به چاپ رسانده و با عنوان «تمام چهره‌های مخفی

اینیستا» به بخش‌های زندگی فوتبالی و غیر فوتبالی او می‌پردازد که شاید کمتر در مورد این بازیکن کم‌حاشیه شنیده باشیم.

جداکردن اتم‌ها با موجین!

هفت‌نامه ساینس در مقاله‌ای با عنوان «دستگاه مولکول‌ساز» و با به روی جلد بردن موجینی فوق دقیق که اخیراً توسط دانشندان اختراع شده است، به توانایی‌های آن در جدا کردن یک به یک اتم‌های سوزوهای مورد نظر و قابل استفاده بودن برای ساخت دوباره آن‌ها می‌پردازد. این نشریه توضیحات علمی پیرامون فواید چنین دستگاهی را در ۴۵ صفحه به چاپ رسانده است! ساینس مگ همچنین مقاله‌ای در خصوص دستاوردهای جدید برای درک حقایق مختلف پزشکی و روان‌شناختی از ذهن کودکان منتشر کرده است.

گزارش از رویداد

۱۱/۵ تن طلا کجا رفت؟

روس‌ها در ۱۰ خرداد سال ۱۳۳۴ حاضر شدند بدهی شان را به ایران بپردازند

ایستگاه/ مجید تربت زاده/ چه با نرخ سال‌های ۱۳۲۰ به بعد، چه با نرخ یکی دو سال مانده به پیروزی انقلاب و چه به قیمت سال‌های اخیر... فرقی نمی‌کند... ۱۱/۵ تن طلا، هر جور و با هر معیاری که حساب کنید چیز کم و ناقلایی نیست که بشود از خیر آن گذشت. برای همین ماجرای پرداخت بدهی یا غرامت ۱۱/۵ تُنی طلا توسط روس‌ها به ایران، چند بار و در دوره‌های مختلف داغ می‌شود و تا مدت‌ها محل بحث و اختلاف نظر سیاستمداران، روزنامه نگاران، مورخان و حتی مردم کوچه و بازار است. آخرین بارش سال ۹۰ و ۹۱ که ایران فیلم «استرداد» سبب شد یک بار دیگر داستان ۱۱/۵ تن طلا سر زبان‌ها بیفتد. راستی! شما فکر می‌کنید چرا سردمداران و دولتمردان سختگیر و عبوس شوروی سابق، روز ۱۰ خرداد سال ۱۳۳۴ پس از مدت‌ها کش و قوس و لجاجت و خساست،مهربان شده و بیشتر از ۱۱ تن طلا را با دست خودشان تقدیم دولت ایران کردند؟

غرامت طلایی

برای خیلی‌ها که حوصله و دل و دماغ خواندن تاریخ را ندارند، فیلم «استرداد» می‌توانست جذاب باشد. سرهنگ ارتش شاهنشاهی –فرامرز نگین –از طرف نخصت وزیر «فضل الله زاهدی» احضار می‌شود تا همراه یک هیئت پنج نفره به مسکو برود و بنا به ادعای فیلمنامه، ۱۱/۵ تن طلا را که غرامت جنگ دوم جهانی است از روس‌ها بگیرد و... البته قرار نیست این مطلب نقد فیلم «استرداد» باشد اما علاوه بر گراف هایی که بعدها منتقدان برای فیلم ردیف کردند، دو نکته هست که به مطلب امروز ما مربوط می‌شود. اول اینکه

در اسناد تاریخی مربوط به روابط ایران و شوروی، چیزی به نام « غرامت» وجود ندارد. دوم اینکه « استرداد» در نمای پایانی با به تصویر کشیدن تصاویری از دیدار « اشرف پهلوی» از مسکو مدعی می‌شود که طبق توافق اشرف و استالین، شمش‌های طلا به سوویس و حساب‌های شخصی شاه منتقل شده است!

پس ماجرا چه بود؟

وقتی جنگ دوم جهانی در گرفت و طبق توافق متفقین، قرار شد ایران اشغال شود و پل پیروزی آن‌ها باشد، روس‌ها که برای تأمین مخارج نظامیان شان در ایران نیاز به «ریال» داشتند، دولت وقت و بی اسکناس کشورمان را وادار کردند تا می‌تواند پول چاپ کند و به عنوان قرض به شوروی بدهد. جنگ که تمام شد، روس‌ها قصد پرداخت بدهی شان با «روپل» را داشتند. مسئولان ایرانی نپذیرفتند و در نهایت قرار شد روس‌ها بدهی شان را با شمش‌های طلا بپردازند.

پس ۱۱/۵ تن طلای تاریخی و مورد ادعای فیلم « استرداد» واقعیت داشت اما «غرامت» محسوب نمی‌شد. شاید بپرسید: خب چه فرقی می‌کند؟ فرقی همان نکته‌ای است که برخی منتقدان و مورخان گوشزد کردند. یعنی فیلم «استرداد» با یک اشتباه، به دولتمردان آن زمان حال می‌دهد و ناخواسته آنان را آن قدر قدرتمند معرفی می‌کند که توانسته‌اند از ابرقدرتی مانند «شوروی» غرامت بگیرند!

۵/۵ میلیون لیره

البته ماجرا بسادگی چند سطر نوشته بالا هم نیست. انگلیس و آمریکا هم در ماجرای چاپ اسکناس و پول قرض گرفتن سهیم بودند.

روزمره نگاری

ایستگاه/ قِل می‌خوریم بین کارها.. اما نمی‌رسیم! به سرعت شب می‌شود و ساعت ها، فرقه وار می‌چرخند! گذر برق و یادی روزها، چه حدیث دردناک و مخوفی ست...! دو ساعت، پلک هایم را بستام اما هلاکم! برمی خیزم. باید ظرف‌های سحری منتظر در سینک را بشویم. مثل سلحشوری که مقاومت می‌کند، آخرین قابلمه را هم حواله آب چک می‌دهم و دستکش‌ها را از انگشت‌های مرطوب می‌کنم. از آن جهت که کابینت چوبی، پادشاه پُراطوار خانه است و باید خشک شود؛ خشکش می‌کنم. گلدان‌ها آب می‌خواهند، رخت چرک‌ها باید بروند در ماشین و از بالکن، شسته‌ها برگردند در طبقات کمد؛ همه این کارها بدو بدو انجام می‌شود. ساعت مچی‌ام می‌گوید: ۹۰ دقیقه وقت دارم.



نمایی از فیلم «استرداد»

عروسی

عراق برای همکاری‌های نظامی و اقتصادی بسته شده بود و هدفش مقابله با نفوذ شوروی هم بود. **به دست آوردن دل دولت ایران** دولتمردان جدید شوروی برای اینکه چهره خوبی از خودشان به کشورهای چون هند، ایران و ترکیه نشان بدهند و هم برای به دست آوردن دل دولت ایران و اینکه به پیمان ضد روسی نپیوندند، حاضر شدند علاوه بر طلاهایی که بدهکار بودند، قول‌های دیگری هم بدهند. بنابراین با وعده پس دادن بخش هایی از خاک ایران که سال‌های گذشته و به بهانه‌های مختلف آن‌ها را اشغال کرده بودند،پای میز مذاکرات آمدند.یعنی قرارداد بستند که همه اختلاف‌های مرزی دو کشور حل شود، ایران به حق و حقوقش برسد و منطقه خوش آب و هوای «فیروزه» در ترکمنستان هم به خاک ایران ضمیمه شود. در عمل اما فقط کامیون حامل شمش‌های طلا در مرز «جلفا» به ایران تحویل شد. در ضمن کشورمان هم به پیمان بغداد یا «سنتو» پیوست.

پرسش‌های سخت

خلاصه اینکه همه دعوها و ماجراهای ۱۱/۵ تن طلای دیروز و امروز بر سر تحویل دادن یا ندادن آن توسط روس‌ها نیست. «خسرو معتضد»، هم معتقد است دولت شوروی نه ۱۱/۵ تن بلکه ۱۱ تن و ۱۹۶ کیلو و ۷۰۳ گرم طلا را به ایران تحویل می‌دهد. حالا و پس از اکران فیلم « استرداد»

سؤال این است که طلاها پس از ورود به ایران چه می‌شود؟ آیا هنوز در خزانه کشور موجود است؟ آیا به عنوان پشتوانه چاپ اسکناس به انگلیس فرستاده می‌شود؟ سر از حساب‌های شخصی در بانک‌های سوویس در می‌آورد؟ انصاف بدهید که پاسخ به این پرسش‌ها کار صفحه‌«ایستگاه» نیست!

درد چار می‌زند که اگر افطاری‌زی، بسم الله، گوشت از قبل در یخچال گذاشته را با سبب زمینی و پیاز و تخم مرغ و ادویه و مرزه ی خشک ترکیب می‌کنم... بدو بدو سبزی می‌شویم... آب در سماور می‌پزیم... نان‌ها را تکه تکه می‌کنم... بدوبدو رنگی‌های سالاد را چاقو می‌زنم... خرما می‌شویم... گلوله هفتم از مواد کثلت را برمی دارم و حالت می‌دهم می‌چینم کنار بقیه... اصلاً دوست ندارم به ناپولن نخودفرنگی پاک نشده، نگاه کنم و فکرم برود تا چشم‌هایی که می‌سوزند از زور پی خوابی! به آفتابی که غروب کرده و اصلاً نفهمیدم که امروز تابیده! به قوطی قرص‌ها که صف کشیده‌اند و به فهرست بلندبالای بعد از افطار!

انگار گاهی وقت‌ها لازم است پشت کرد به عبور زمان، به ساعت... یا به قول دوستی «ساعتِ خانه یک روزهای باید بخوابد»

تلنگر

تا جغرافیای رنجور بعدی...



مثل سربازی هستند در برج دیده بانی...! مشمولی که عمیق‌تر از دیگران به جاده‌های پیش رو، اشراف دارد!...

سربازی که سفرهای طبیعانه می‌رود و رمزگشایی می‌داند و از درهای جهان، سَر درمی‌آورد، شاید به این خاطر که زبان رسمی دنیا –مهربانی را– از بر است! پزشک جهادی بدون مرز! قصد ندارم از عراق و افغانستان و کنیا و غنا و تانزانیا و گینه و سومالی و برونزی و زمبابوه و نایروبی و نم بگویم، اما به اجازه اما می‌خواهم آهنگ خوش مسفرتان در آخرین ماه بهار به خراسان جنوبی، به روستاهای «ذکری» و «گل نی» را بگذارم! تا از نَت‌های سرشار عاشقانه‌اش، همه کفگیر شوند!

لذت ببرند که هنوز مردمانی چون شما حاضربه براق‌اند و اسب‌هایشان را زین می‌کنند تا دنیا بداند برای دوست داشتن، مرزی نباید قائل بود. فقط کافی است راه و رسم همدردی با بنی آدم را آموخت! خبر وزیر ۶۰ بیمار پوستانی در روستاهای مرزی خراسان جنوبی که می‌رود روی خروجی‌ها – در کسری از ثانیه – یاد سرباز طبیب می‌افتد! یاد شما «دکتر ناصر عمادی»! این بار هم مطلع می‌شوم پوئیتن به با کردید تا تلاطم نعدوستی و ایثار، بکشاندان تا لب مرزا این بار میان کودکان مسورت زخمی که تلاش‌های داوطلبانه درمانی – آموزشی‌تان را انتظار می‌برند، می‌خوانم با تیم اعزامی در قالب کاروان سلامت مثل همیشه با خود، تعهد و ویزیت رایگان و دارو برده‌اید. از بهداشت و درمان گفتید و کلاذ آفتابی، سِر بچه‌ها کردید و یاد بزرگ‌ترا دادید ورزش یادهای موسمی منطقه شان با ذرات ملق شن همراه است، و گویا قرار هم گذاشته‌اید پس از ماه رمضان برای بررسی و ارزیابی روند درمان به منطقه کلاهداران باز خواهید گشت! دستمزد و حال خوب این سفر، مبارک تان آقای دکتر! شک ندارم ایستگاه بعدی را عزیزمت به برج دیده بانی خواهد بود تا جغرافیای رنجور بعدی را در یاریید چه بی اندازه احساس غرور و مسرت دارد آشنایی با کسی که خودش را اهل همه دنیا می‌داند و تلاش می‌کند مهر و تخصص‌اش را از هیچ نژاد و قوم و زبانی دریغ نکنند... کسی که معرفت و جهان‌بینی‌اش – به حرفه طبابت – سگو می‌دهد

اشک‌های مریم مقدس



ایستگاه / چند وقت پیش رسانه‌های آمریکایی مرکزی خبری مبنی بر اینکه از چشم‌هم مجسمه مریم مقدس در کلیسای «گوادالوپ» نیومکزیکو» اشک می‌ریزد، منتشر کردند! این موضوع تبدیل به یکی از موضوعات داغ فضای مجازی شد و علاوه بر ساکنان آن منطقه افرادی از سایر کشورها هم برای دیدن مجسمه حضرت مریم راهی این منطقه شده‌اند. رسانه‌ها گزارش دادند بعضی افراد اشک‌های مادر مسیح را پاک کردند، اما زیر چشم‌هم مریم مقدس دوباره از اشک خیس شد. کشیش کلیسا اعلام کرده که این اشک‌ها به خاطر گناه‌های زیاد مردم است که باعث ناراحتی مریم مقدس شده است!

چاووشی تکذیب کرد



ایستگاه / یک هفته پیش در سالروز آزادسازی خرمشهر، «محسن چاووشی» ترانه‌ای به نام «خوزستان» منتشر کرد. در این ترانه ضمن انتقاد از اوضاع استان خوزستان و شهر خرمشهر، از برخی اوضاع اقتصادی کشور هم انتقاد شده بود. ترانه جدید آقا محسن حسابی جنجالی شد و عده‌ای آن را ترانه‌ای تمام سیاسی نامیدند و شایعه بدو مجوز بودن این ترانه در فضای مجازی قوت گرفت. دیروز برخی رسانه‌ها و صفحه‌های مجازی اعلام کردند «محسن چاووشی» برای خواندن این ترانه تا اطلاع ثانوی ممنوع فعالیت‌ش شده است، اما محسن چاووشی بلافاصله در کالال تلگرافش نوشت: «خبر منتشر شده در فضای مجازی مبنی بر ممنوع فعالیت شدن محسن چاووشی صحت ندارد و تکذیب می‌گردد».

ریشه‌اش را بخشکاند



ایستگاه / در میان واکنش‌های مثبت و منفی به ماجرای تحریم افطاری رئیس جمهور، هادی حجازی‌فر واکنش متفاوتی به این ماجرا داشته و در اینستاگرامش نوشته است: «جناب آقای روحانی، اعتراض برخی از همکارانم در اجابت نکردن دعوت به مراسم افطاری نشانه‌ای از موفقیت دولت شماست. نیامدن به مهمانی افطار رئیس جمهور و اعلام رسمی آن و نه بهانه سرماخوردگی و در سفر بودن آوردن، یک لحظه تاریخی در مردم‌سالاری این کشور است. امیدوارم دولت ضمن به رسمیت شناختن این اعتراض، هزینه این مراسم را به نهادهای خیریه واگذار کرده و رسم برپایی این گونه همایش‌ها را در حکومتی که داعیه پیروی از سیره حضرت علی(ع) را دارد از بیخ بخشکاند.